

سود بالای بانکی و تخریب بازارهای مالی

چندسالی است سود بالای سپرده‌ها در سطحی بسیار فراتر از نرخ تورم پرداخت می‌شود؛ دلیل این نرخ نامتعادل، رقابت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ضعیف‌تر و گاه بدون مجوز با بانک‌های بهتر کشور است؛ این پدیده اقتصاد ایران را مدام تخریب می‌کند: کسب‌وکارها را از توسعه فعالیت باز می‌دارد و مردم را به مشارکت در اقتصاد تشویق نمی‌کند؛ حتی کارکردن برای بسیاری دیگر صرف نمی‌کند. فعالان کسب‌وکار حوزه فعالیتی در اقتصاد ایران نمی‌یابند که سود ۲۰ یا ۲۵ درصد بدهد و از این‌رو نه فقط اخذ تسهیلات ۲۵ یا ۲۸ درصدی برای توسعه کارهایشان صرف نمی‌کند، بلکه مدت‌هاست محدود کردن فعالیت‌های جاری و سپرده‌گذاری در بانک‌ها برایشان مطلوب‌تر شده است. به این دلیل، دستیابی به نرخ رشد بالا و اشتغال برای اقتصاد ایران ناممکن شده است. می‌دانیم بازده سرمایه‌گذار عبارت است از نرخ سود بدون خطر به علاوه صرف ریسک خطری که سرمایه‌گذار می‌پذیرد؛ یعنی برای پذیرش ریسک کسب‌وکار مازادی می‌خواهد. شگفتا که این صرف ریسک در سال‌های اخیر نرخ منفی داشته است. هر کس که می‌خواهد ریسکی را بپذیرد و کسب‌وکاری را شروع کند، وضعیت بهتری از کسی که پول‌های خود را در بانک سپرده می‌کند، ندارد. یعنی، آن نرخ سود بانکی که مردم آن را بدون خطر تلقی می‌کنند، بالاتر از نرخ بازده هر کاری است که بخواهند شروع کنند.

اگر فعالیت شرکت‌هایی را که در رشته‌های متکی به ارز (مثل نفت، گاز و پتروشیمی) کار می‌کنند، کنار بگذاریم، فعالیت ریالی با این نرخ‌های سود بانکی صرف نمی‌کند. در نتیجه، نرخ سود بالای بانکی نه فقط نهادهای مالی، بلکه شرکت‌ها را هم تخریب کرده است.

برای بسیاری از جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی متعلق به خانوارهای طبقه متوسط نیز کارکردن صرف نمی‌کند. اینکه هشت یا ۱۰ ساعت سر کار بروند و دو میلیون تومان حقوق بگیرند، به فرض آنکه شغلی هم در دسترس باشد، صرف نمی‌کند. ترجیح می‌دهند صد میلیون تومان از والدین و بستگان دریافت و سپرده کنند (یا در صندوق‌های با درآمد ثابت یا اوراق خزانه دولتی بگذارند) و با دریافت ماهانه دو میلیون تومان از محل این سرمایه‌گذاری گذران عمر کنند؛ در ظاهر نیز مدعی می‌شوند که در بازار سرمایه فعالیت می‌کنند و بی‌کار نیستند. اگر جوان ایرانی را با جوانی اروپایی مقایسه کنیم که ماهانه دو هزار یورو دستمزد دریافت می‌کند، مسئله بیشتر روشن می‌شود. اگر این شخص صد هزار یورو در حساب بانکی خود بگذارد، به‌سختی ماهانه قبل از مالیات صد یورو سود دریافت می‌کند که با دو هزار یورو حقوق ماهانه‌اش قابل مقایسه باشد. پس، کارکردن برای جوان اروپایی صرف می‌کند.

متأسفانه خانوارهای طبقه متوسط زیادی در این سال‌ها به اخذ سود بالا از بانک‌ها عادت کرده‌اند و از قبول ریسک و انجام کار فعال در اقتصاد غافل شده‌اند. حال اگر همه ملت ایران بتوانند هرچه را دارند نقد و سپرده بانکی کنند و بانک‌ها نیز سود بالایی به آنان بپردازند، چه اتفاقی در اقتصاد می‌افتد؟ هیچ چیزی تولید نمی‌شود و بانک‌ها مقدار زیادی دارایی کاغذی

پیدا می‌کنند. از این‌رو، برای خانوارها باید توضیح داد؛ اینکه جوانان شما بی‌کارند و درآمد سرانه کشور پایین است، به دلیل سودهای بالایی است که نظام بانکی خارج از توان درآمدزایی خود پرداخت کرده و می‌کند.

سود بالای پرداختی به سپرده‌ها، بانک‌ها را تخریب کرده است، سرمایه بانک‌ها را زایل و آنها را با زیان مواجه کرده است. بانک‌های بهتر کشور نیز برای رقابت با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ضعیف، بازی پرداخت سود بالا را ادامه داده‌اند. بانک‌های ضعیف برای ادامه بقا این نرخ‌ها را می‌پردازند و با خود بانک‌های بهتر کشور را نیز تضعیف می‌کنند. این وضعیت امکان تأمین مالی را از بانک‌ها گرفته و بیشتر آنها غیر از تمدید تسهیلات قبلی کاری از دستشان برنمی‌آید. بسیاری از مدیران بانک‌ها حساسیت خود را نسبت به کسب سود از دست داده‌اند و توجه ندارند که متوسط هزینه پولشان بسیار بالا رفته است.

تخریب نهادهای مالی محدود به بانک‌ها نیست. آرام آرام بیمه‌ها و بازار سرمایه نیز وارد این بازی‌های هرمی (پونزی) شده‌اند. هزاران سرمایه‌گذار حقیقی در بازار سهام فضایی برای انجام معامله و کسب سود معقول نمی‌یابند. حاصل کار این شده که عده‌ای به سوی معاملات نامعقول، نامتعارف و حتی غیرقانونی گرایش یافته‌اند. قیمت سهم شرکت کوچک یا متوسطی را در حرکتی دسته‌جمعی و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی با طرح شایعه‌ای بالا می‌برند و نهایتاً آن سهام را به دستگاهی دولتی، شبه‌دولتی، خصوصی یا سهام‌داران تازه‌کار می‌فروشند و از بازار آن سهم خارج می‌شوند. یعنی چون کاسبی وجود ندارد، عملاً به کار خلاف روی آورده‌اند و توجه ندارند که با این کار ریشه فرصت‌های آتی بازار سرمایه را هم می‌خشکانند.

به دلیل تعدد تخلفات از این دست، مقام ناظر بازار سرمایه نیز با همه تلاش، توان کنترل و تمشیت همه این دست‌کاری‌ها را ندارد، همان‌طور که مقام ناظر نظام بانکی در سال‌های گذشته نتوانسته از پس تخلفات گسترده نهادهای پولی برآید و کار را به اینجا کشانده است که می‌بینیم.

بنابراین، جای تعجب نیست که بازار سهام کشور بیشتر تخریب شود، چراکه شرکت‌های بورسی توان رقابت با نرخ سود بالایی را ندارند و چنین امکان سودی را در بخش واقعی اقتصاد ایران نمی‌یابند و از این‌رو بازار سهام در سال‌های اخیر دائماً در حال تحدید و کوچک‌شدن بوده است.

آنچه در سطور بالا گفته شد در صورتی درست است که نرخ تورم در سطح فعلی بماند و رشته کار از دست مسئولان در نرود. اما تورم در کمین است و فاصله‌چندانی هم با ما ندارد. اگر به دلیل تضعیف وضعیت بانک‌ها و بروز نااطمینانی، مردم پس‌اندازهای خود را به سمتی دیگر سوق دهند، تورم افسارگسیخته‌ای چهره می‌نماید و آن‌گاه دیگر این نرخ جاری سپرده‌ها نرخ بالایی تلقی نخواهد شد.